



ساقول

اخباریت و اصولیت

محمد هادی ابراهیمی نژاد

سلسله تحقیقات سایت آشتی با خرد (۴)

سرشناسه	: ابراهیمی نژاد، محمد هادی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدید آور	: شاقول اخباریت و اصولیت / محمد هادی ابراهیمی نژاد.
مشخصات نشر	: قم: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین (ص)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۷ص.
فروست	: سلسله تحقیقات سایت آشتی با خرد؛ شماره ۴.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۸۲۸-۹-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع	: اخباریه Akhbariyah
موضوع	: اصولیان *Usulis
موضوع	: اخباریه - عقاید Doctrines -- Akhbariyah
موضوع	: اصولیان - عقاید Doctrines -- *Usulis
رده بندی کنگره	: BP۲۳۹/۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۵۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۲۰۹۰۵۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

شاقول اخباریت و اصولیت

نویسنده: محمد هادی ابراهیمی نژاد

ناشر: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین ﷺ

چاپ دوم: زمستان ۱۴۰۲

تعداد: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۸۲۸-۹-۶

مرکز پخش قم: خیابان صفائیه، کوچه ۳۷، انتشارات خاتم النبیین ﷺ، تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۲۱۴۰۹-

www.nashrekhatam.com

مرکز پخش مشهد: خیابان آخوند خراسانی ۲۰/۱، جنب مسجد حضرت زهرا ﷺ، کتابفروشی طالبیان

شریف، تلفن: ۰۵۱۳۸۵۵۵۹۴۷-۰۹۱۵۲۵۵۳۷۰۰

فهرست

- مقدمه سایت آشتی با خرد ۴
- سرآغاز ۷
- شناخت اخباریت با شاقول آثار و نتایج ۹
- شناخت اخباریت با شاقول ویژگی ها ۱۱
- شناخت اخباریت با شاقول بنیادها و ریشه ها ۱۵
- سطح نخست بنیاد اخباریت، حذف مدالیل التزامی احادیث .. ۱۵
- سطح دوم بنیاد اخباریت، حذف استنباط از احادیث ۱۸
- دقیق ترین شاقول برای شناخت کجی اخباریت ۱۹
- ضرورت استنباط، خط بطلان بر اخباریت ۲۱
- درایت استنباط، اثبات اصولیت ۲۴
- تفاوت منطق نص حدیث با تعبد و توقیفیت دین ۳۰
- طولیت و عرضیت استنباط فقها ۳۱

مقدمه سایت آشتی با خرد

نوشتار پیش روی شما یکی از تحقیقات «سایت اخباریت و اخباریون» از زیر مجموعه های «سایت آشتی با خرد» است.

«سایت اخباریت و اخباریون» این گونه آغاز می شود:

اگر «خردمندی» را عمده ترین ویژگی انسان بدانیم، «عقل گرایی» رقم می خورد؛

«عقل گرایی» واقعی، نیاز به وحی را رقم می زند و پای «نص گرایی» را به میان می آورد.

«عقل گرایی» واقعی با «نص گرایی» واقعی، مکمل یکدیگرند و با فقدان هریک، کمال واقعی و سعادت حقیقی انسان ناشدنی می گردد. اما فاجعه ای که اتفاق افتاده، جدا سازی این دو از هم است.

احیاناً «عقل نمایی» جای «عقل گرایی» را می گیرد و بنیاد اندیشه، به بیماری «عقل زدگی» آلوده می گردد.

عمده ترین آفت اندیشه، «عقل زدگی» است و حاصل آن هم تضاد خرد و وحی (علم و دین) است.

در نقطه مقابل، احياناً ریشه ی خردمندانه «نص گرایی» می خشکد و از وحی، جز پوسته ای باقی نمی ماند. با شیفتگی بی ریشه ی به پوسته ی وحی، دیانت دچار بیماری نص پرستی و «نص زدگی» می شود.

عمده‌ترین آفت دیانت، «نص‌زدگی» است و حاصل آن هم حذف یا کم رنگ ساختن خرد و درایت، در ساحت دین است.

پیدا است که تنها با شفاف سازی ضابطه‌ی دقیق و علمی «نص‌زدگی» و با شناخت «نص‌زدگان» واقعی، طبقه‌بندی حقیقی «اخباریون» و «اصولیون» امکان می‌یابد.

با این طبقه‌بندی خواهیم دید چگونه شخصیت بسیاری از بزرگان شیعه به ناحق مصادره شده و به نادرستی اخباری شمرده شده‌اند!

و نیز خواهیم دید «نص‌زدگی»...!

«شاقول اخباریت و اصولیت» با ساختار متنی در سایت «آشتی با خرد» هم در دسترس است:

shia-akhbari.com/page/Section.aspx?n=۲۳۷۶۹-۲۳۷۷۰

ما را در اینجا می‌توانید ببینید:

shia-akhbari.com

aashtee.org

aashtee.net

aashteebakherad.ir

shia-akhbari.org

aashtee.ir

aashteebakherad.com

aashteebakherad.org

از نظرات و انتقادات شما استقبال می‌کنیم:

info@aashtee.org

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد
و آله الطاهرين سيما بقية الله فى الارضين
و اللعن على اعدائهم اجمعين

سرآغاز

شناخت هر امری با سه نگرش و از سه منظر ممکن است: ۱-
شناخت مبدأ و ریشه‌ها، ۲- شناخت ویژگی‌ها و خواص و ۳-
شناخت نتایج و آثار که منتهای آن امر است.
پیدا است اگر امری با سه نگرش یاد شده کاملاً شناخت شود،
تفکیک آن امر از سایر امور نیز آسان می‌گردد.
اخباریت نیز از این مسئله مستثنا نیست. لذا تفکیک اخباریت از
اصولیت، با سه نگرش یاد شده ممکن است.
(۱) ریشه‌های تفکر اخباریت
(۲) تعریفی است که اخباریون از خود و از اصولیون ارایه می‌دهند و

بالعکس.

(البته با صرف نظر از درستی و نادرستی تعاریف ارایه شده. لذا

تعاریف یاد شده نیاز به تحقیق و بررسی علمی دارد.)

۳) مبانی حاصل از تفکر اخباریت که در تضاد با مبانی اصولیون

است.

پیداست شناختهای سه گانه هر کدام به تنهایی، در معرفی

اخباریت مؤثر است.

باز هم پیداست اگر هر سه نگرش یاد شده‌ی اخباریت را کاملاً

بشناسیم، تفکیک اخباریت از اصولیت نیز آسان می‌گردد.

اما با این همه پیدا کردن دقیق‌ترین شاقول اخباریت، کمک فراوانی

به شناخت درست اخباریت می‌کند.

• شاقول اخباریت چیست؟

شناخت اخباریت با شاقول آثار و نتایج

تعریف و تفکیک اخباریون در نگرش سوم، همان شناخت نتایج و آثار این تفکر است که در مبانی اخباریون نمود پیدا کرده است. مبانی اخباریون در مقابل اصولیون، در کتب متعددی مطرح شده است. مثلاً اخباریون احتیاطی هستند و اصولیون برائتی و.... از آن جایی که ممکن است برخی از نظرات طرفین (ولو نظرات شاذ) با هم همپوشانی داشته باشد، تعریف اخباریت بر اساس مبانی، چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. به ویژه با ظهور نواخباریون و آشفتگی شدید در نظرات آنان، تعریف اخباریت و تفکیک آنان از اصولیون بر اساس مبانی، چندان آسان نیست.

هر چند با تتبع گسترده می‌توان به تفکیک نسبی اخباریون و اصولیون دست یافت، اما حاصل این تتبع برای عموم نمی‌تواند چندان مفید افتد. لذا تعریف و تفکیک اخباریون در نگرش سوم، یعنی نتایج و آثار، شاقول دقیقی نیست.

شناخت اخباریت با شاقول ویژگی‌ها

تعریف و تفکیک اخباریون در نگرش دوم، همان شناخت اخباریون بر اساس ویژگی‌های‌شان است.

پیش از هر چیزی باید توجه داشت ویژگی‌هایی که برای اخباریت و اصولیت گفته می‌شود مورد اتفاق طرفین نیست. چرا که اخباری، ویژگی‌هایی از خود و طرف مقابل بیان می‌کند که اصولی آن را خلاف واقع می‌بیند. اصولی هم ویژگی‌هایی از خود و طرف مقابل بیان می‌کند که اخباری آن را نمی‌پذیرد.

به سخن دیگر در نگاه نخست (تأکید می‌کنم در نگاه نخست) ویژگی‌های بیان شده‌ی طرفین، همگی ادعا می‌نماید.

در نگاه کلی، اخباری مدعی است که او، تنها پیرو ثقلین است، ولی اصولیون با رنگ گرفتن از سنیان، از ثقلین تخطی کرده‌اند.

در تأکید بر ادعای پیروی از ثقلین نیز اخباری ادعا می‌کند تنها و تنها به نص حدیث (یعنی صراحت روایت) عمل می‌کند.

طبق این ادعا (تأکید می‌کنم طبق این ادعا)، اخباریت، بسیار زیبا

و منطقی می‌نماید و طبق این ادعا (تأکید می‌کنم طبق این ادعا)، اصولیت نیز کاملاً نادرست و باطل است! گذشته از این که چنین تعریفی برای عوام نیز بسیار جالب و جذاب است.

اخباریت بر همین اساس نیز فتوای به غیر نص حدیث را باطل دانسته و حتی برخی ذکر متن حدیث در متن فتوا را، آن هم با ذکر سند، واجب می‌پندارند (البته اگر فتوا را جایز بشمرند).

اخباریون، اصولیون را در مصادیق نیز متهم می‌کنند که با کاربرد قیاس و ظن و اجتهاد سنیان، عمل به رأی و عقل ناقص خود کرده‌اند. در حالی که دین خداوند لا یصاب بالعقول الناقصة و الآراء الباطلة و المقاییس الفاسدة.^۱

و....

در مقابل اصولیون با طرح توقیفیت دین، ادعا می‌کنند که هرگز از تقلید تخطی نکرده و نمی‌کنند.

آن چه هم که اخباریون در مورد عمل به قیاس و ظن و اجتهاد و رأی و عقل گفته‌اند، ناشی از درایت نکردن روایات و نفهمیدن مبانی

(۱) دین خدا با خردهای ناقص و نظرهای باطل و قیاسهای فاسد قابل نیل نیست.

(بحارالانوار ج ۲ ص ۳۰۳)

اصولیون است.

همان گونه که تصریح کردیم، ویژگی‌هایی که طرفین برای خود و طرف مقابل بیان می‌کنند، در نگاه نخستین ادعا می‌نماید.

اما پس از تحقیق روشن می‌شود که واقعا اخباریون خواسته یا ناخواسته، نه روایات را به درستی درایت کرده‌اند و نه کلام اصولیون را واقعا فهمیده‌اند.

البته پیداست که عدم درایت و نفهمی اخباریون نسبت به تک‌تک مسایل یاد شده، نیازمند برهان است که در جای خودش بیان شده است.

از جمله «سایت اخباریت و اخباریون» از زیر مجموعه‌های «سایت آشتی با خرد» این موارد را برهانی کرده است. برای این مهم به مقالات زیر در «سایت اخباریت و اخباریون» مراجعه نمایید:

«هلاکت اخباریون در گرداب» که خود شامل بخش‌های زیر است:

«اخباریت در گرداب اصطلاحات»

«اخباریت در گرداب ظالمانه‌ها»

«هلاکت اخباریون در گرداب هواپرستی»

«هلاکت اخباریون در گرداب ساده‌پنداری دین»

«عمق گرداب، سواری هواپرستان بر موج ساده‌پنداری»

همچنین مباحثی چون:

«ارکان اخباریت»

«فتوا، مفتیان و شرایط فتوا»

«تحقیق در اجتهاد»

«تحقیق در قیاس»

«تحقیق در رأی»

و...

پیداست که شناخت اخباریون و اصولیون از طریق تحقیق در ویژگی‌های واقعی آنان، کاملاً مفید است.

اما اولاً دامنه گسترده‌ای دارد و مجال وسیعی می‌طلبد. ثانیاً برای عموم خسته کننده و دشوار است. لذا این طریق نمی‌تواند شاقول آسان، سریع و عمومی برای شناخت اخباریون و اصولیون باشد.

شناخت اخباریت با شاقول بنیادها و ریشه‌ها

تعریف و تفکیک اخباریون در نگرش نخست، همان شناخت اخباریت بر اساس ریشه‌های آن است.

همان گونه که پیش از این اشاره کردیم اخباریون در تأکید بر ادعای پیروی از ثقلین، ادعا می‌کنند تنها و تنها به نص حدیث (یعنی صراحت روایت) عمل می‌کنند.

در نگاه سطحی این سخن بسیار جالب و حق به جانب است.

اما واقع آن چیست؟

در ادامه درستی این ادعا را در چند سطح، تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

سطح نخست بنیاد اخباریت، حذف مدالیل التزامی احادیث

باید توجه داشت که مقصود اخباریون از نص حدیث، اصطلاح اصولیون نیست که نص را در مقابل ظاهر قرار داده‌اند.

بلکه مقصود اخباریون از نص حدیث، لفظ صریح حدیث است. بر این اساس بایسته است هر فتوایی مستند به عین لفظ روایت گردد.

به نظر می‌رسد که با این ادعا چیزی نمی‌لنگد.

نقطه مهم پس از این مرحله است و آن این که اگر حدیثی، مطلبی را به شکل مسلم و قطعی بیان کرده باشد، اما این امر در منطوق حدیث ذکر نشده باشد، چه باید کرد؟

به رأی اخباریون آن چه فراتر از نص حدیث است، دیگر جزو دین نیست. پس باطل است و باید آن را کنار گذاشت.

از این ریشه‌ی تفکر اخباریت، با تعبیر «منطق نص حدیث» یاد می‌کنیم.

«منطق نص حدیث» پشتوانه برهانی ندارد و نقض‌های فراوانی نیز بر آن وارد می‌شود که در نوشتارهای «مستندات نظریه «نص حدیث» و نقد آن» و «معارضات نظریه نص حدیث» از «سایت اخباریت و اخباریون» به آن پرداخته شده است.

گذشته از این که «منطق نص حدیث» سابقه سوئی هم دارد که در بخش «پیشینه نص‌زدگی» از آدرس یاد شده مطرح شده است.

اما آن چه مهم است شناخت خود «منطق نص حدیث» است.

«منطق نص حدیث» همان تکیه انحصاری بر دلالت مطابقی کلام و چشم‌پوشی از دلالت التزامی و سایر لوازم کلام است.

توضیح این که در نگاه کلی هر سخنی سه مدلول دارد: مدلول

مطابقی که دقیقا در لفظ آمده است و مدلول تضمینی که بخشی از مدلول مطابقی است و مدلول التزامی که ناظر به لوازم قطعی سخن است.

روی دوم منحصر کردن روایت به مدلول مطابقی آن، حذف مدالیل التزامی کلام امام علیه السلام است.

و مشکل دقیقا از همین جا آغاز می‌شود.

چرا که روایات و احادیث یا مدالیل التزامی دارد و یا ندارد.

اگر کسی ادعا کند که روایات و احادیث مدالیل التزامی ندارد، این ادعا بر خلاف وجدان و روایات است.

و اگر بپذیریم روایات و احادیث، واقعا مدالیل التزامی دارد،

انحصار مدلول روایت به مدلول مطابقی، مستلزم حذف تمامی

مدالیل التزامی است و این، مصداق «يُؤْمِنُ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ

يُكْفُرُ بِبَعْضٍ» است.^۱

(۱) در ذیل آیه «كَمَا أَنْزَلْنَاهُ عَلَى الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (سوره

حجر آیه ۹۱) روایاتی آمده است که مقصود از این آیه کسانی هستند که «آمنوا

ببعض و كفروا ببعض» (به بعضی از قرآن ایمان آوردند و به بعضی دیگر كفر

ورزیدند)

با این بیان روشن شد که «منطق نص حدیث» نه تنها مصداق پیروی از تقلین نیست، بلکه بر خلاف قرآن و احادیث است. «منطق نص حدیث» شاقول خوبی برای شناخت و تفکیک اخباریون از اصولیون است. آن چه مهم است لایه عمیق‌تر «منطق نص حدیث» است که در ادامه روشن خواهد شد.

سطح دوم بنیاد اخباریت، حذف استنباط از احادیث

طبق اصطلاح، لوازم مدلول کلام، اگر لازم بین بالمعنی الاخص باشد، از دلالت‌های لفظی شمرده می‌شود و در غیر این صورت خیر. اما مقصود از لوازم کلام در شاقول اخباریت، منحصر به لازم بین بالمعنی الاخص نیست، بلکه همه لوازم کلام را شامل می‌شود. هر چند اخذ به لوازم کلام، امری شایع و رایج است، اما این امر نسبت به روایات از استحکام بیشتری برخوردار است.

همچنین در توقیع امام حسن عسگری به اسحاق بن اسماعیل آمده است: «فمن يؤمن ببعض الكتاب و يكفر ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم و من غيركم إلا خزی فی الحياة الدنيا الفانیة و طول عذاب الآخرة الباقیة...» (بحار الانوار ج ۵۰ ص ۳۲۰)

توضیح این که ممکن است افراد عادی توجه به لوازم کلامشان نداشته باشند و آن را قصد نکرده باشند، با این همه باز هم در محاکم قضایی و امثال آن به لوازم کلام اخذ می‌شود.

اما امام معصوم علیه السلام با احاطه کاملی که به همه جهات دارد، قطعاً توجه به تمام لوازم کلامش دارد، حتی لوازمی که هزاران واسطه می‌خورد، لذا آن لوازم نیز مورد قصد امام قرار می‌گیرد. از این جهت اخذ به لوازم کلام در روایات و احادیث، از اتقان بیشتری برخوردار است.

آن چه مهم است چگونگی استخراج لوازم کلام است.

فرآیند استخراج لوازم کلام، همان استنباط است.

پس ضرورت تمسک به ثقلین، پای قرآن و احادیث را به عرصه تعبد باز می‌کند.

تبعیت از قرآن و احادیث نیز انحصار به مدلول مطابقی که همان منطوق باشد ندارد. لذا در درجه دوم پای مدالیل التزامی قرآن و حدیث به عرصه تعبد و امتثال گشوده می‌شود.

دقیق‌ترین شاقول برای شناخت کجی اخباریت

کشف مدالیل التزامی نیز پای استنباط را در اطاعت و بندگی باز می‌کند. ضرورت استنباط همان لایه عمیق‌تر حجیت مدالیل التزامی

است.

از این رو «منطق نص حدیث» علاوه بر این که مصداق «يُؤْمِنُ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَيَكْفُرُ بِبَعْضِ» است، علاوه بر این، نقطه مقابل استنباط است.

اصل استنباط، امری است که به صریح قرآن و روایات پذیرفته شده و به کار برده شده است.

بر این اساس، شاقول اخباریت، دقیقاً، گستره و عمق استنباط افراد است. اگر ثقلین را دقیقاً در لفظ صریح و دلالت مطابقی آن زندانی کنیم، اخباری محض و صرف هستیم.

اما اگر مداریل التزامی قرآن و حدیث را بپذیریم، از اخباریت خارج شده ایم.

رسیدن به همه مداریل قرآن و حدیث، نیازمند کاربرد استنباط است. لذا هر اندازه استنباط را به کار بندیم، به همان اندازه اصولی هستیم.

از آن جایی که استنباط خود تشکیکی است و نه متواطی، لذا با مطالعه روش اعلام، در بسیاری از موارد با ترکیبی از اخباریت و اصولیت روبرو می شویم.

بر این اساس می توان گفت قریب به اتفاق اعلام، درجه ای از

اصولیت را دارا هستند، اما اصولیت در برخی بسیار ضعیف و در برخی دیگر بسیار قوی است.

شاقول «نص حدیث» و «استنباط» دقیق‌ترین ضابطه برای تشخیص درجه‌ی اخباریت و اصولیت اعلام است. این شاقول نتایج بسیار جالبی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

اما نتیجه عمده این شاقول این است که:

هر درجه‌ای از اخباریت وجود داشته باشد، به همان درجه از فقاہت دور است.

و هر چه قوت استنباط بیشتری باشد، به همان درجه به فقاہت نزدیک شده است.

با درنگ در آن چه گفته شد فرق میان اخباریت از یک سو و تعبد و توقیفیت دین از دیگر سو شناخته می‌شود.

ان شاء الله در ادامه فرق میان این دو بیشتر توضیح داده خواهد شد.

ضرورت استنباط، خط بطلان بر اخباریت

منطق نص حدیث صرف و خالص، (تأکید می‌کنم صرف و خالص) چیزی شبه محال است و همین نیز نشانه بطلان اخباریت

است.

توضیح این که اگر بخواهیم بر نص حدیث جمود کامل (تأکید می‌کنم جمود کامل) داشته باشیم، بایسته است هر آن چه را که خارج منطوق و لفظ حدیث است، نپذیریم.

مثلاً اگر گفته شود رضا فرزند محسن است. بر اساس منطق نص حدیث، از این جمله استفاده نمی‌شود که محسن پدر رضا است. چرا که پدر بودن محسن، هر چند لازمه قهری پسر بودن رضا است، اما خارج از حیطه‌ی نطق و لفظ است.

خود نگارنده از یکی از اخباریون شنیدم که می‌گفت:

از این که قرآن فرموده «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ» (به پدر و مادر اف نگو). هرگز نمی‌توان استفاده کرد که زدن پدر و مادر حرام است.

حرمت زدن پدر و مادر از دلیل دیگری استفاده می‌شود.

بیان یاد شده در واقع تعریف نص حدیث خالص و محض است. اگر پای استنباط به میان آمد ولو استنباط بسیار ساده و اندک، از نص حدیث خالص و محض خارج شده و به همان اندازه اصولی شده‌ایم.

در این صورت این پرسش مطرح می‌شود که اصل استنباط یا

درست و حق است یا نادرست و باطل؟

اگر استنباط باطل است، فرقی ندارد که اندک و ساده باشد یا بسیار و پیچیده. بنا بر این با یک استنباط ساده، دچار انحراف می‌شویم. و اگر استنباط درست و حق است، محدود کردن آن به استنباط ساده و اندک بر خلاف برهان است.

با شکستن انحصار استنباط به استنباط ساده، اخباریت باطل شده و اصولیت ثابت می‌گردد.

زیرا اخباریت صرف، مستلزم نص حدیث خالص است. نص حدیث خالص هم با دو مثال پیشین روشن شد.

مهم این است که نص حدیث خالص عملاً ممکن نیست، شاهدش هم مراجعه به کتب و بیانات خود اخباریون است که از استدلال و استنباط، ولو ساده و بسیط، پراست.

نتیجه‌ی عدم امکان نص خالص، این است که اخباریت صرف نیز ناشدنی است.

ناشدنی بودن اخباریت صرف، بهترین دلیل برای بطلان اخباریت است.

پذیرفتن استنباط، به هر اندازه، مستلزم دور شدن از اخباریت و نزدیک شدن به اصولیت به همان اندازه است.

پذیرفتن استنباط به هر اندازه‌ای که باشد، علاوه بر ابطال اخباریت، نتایج دیگری هم دارد که در ادامه نوشتار روشن می‌شود. تا اینجا روشن شد که بطلان اخباریت، نخستین اثر شاقول استنباط است.

درایت استنباط، اثبات اصولیت

در سرفصل پیشین روشن شد که روش اخباریت صرف، محال و ناشدنی است. لذا همه اخباریون مضطر هستند که درجه‌ای از استنباط را به کار بندند.

البته ممکن است اخباریون نامی دیگر بر حقیقت استنباط نهند. ولی این امر صدمه‌ای به استدلال یاد شده نمی‌زند. چون آن چه محور استدلال است، حقیقت استنباط است و نه نام آن.

همچنین ممکن است اخباریون ادعا کنند که استنباط مشروط به شرایطی، درست و حق است. ولی مطلق استنباط درست و حق نیست. این امر هم نیاز به استدلال و برهان دارد که دست اخباریون از این امر خالی است.

در هر صورت در دل استنباط بسیاری از امور قرار دارد که اخباریون نفهمیدند. لذا درایت استنباط، بسیاری از مشکلاتی شناختی که

اخباریون به آن دچار شده‌اند حل می‌کند.

از جمله، درایت استنباط روشن می‌سازد که درستی و حقانیت استنباط واقعی و نه تخیلی، محدود و مشروط به هیچ قید و شرطی نیست.

مشروح بحث استنباط از منظر عقل و شرع را در نوشتاری با عنوان «تحقیق در تحقیق از منظر خرد و وحی» ارایه داده‌ایم. لذا در این جا به گزیده‌ی کوتاهی از آن بسنده می‌کنیم.

همان گونه که اشاره رفت بحث «استنباط» به شکل مستقل ارایه شده است.

اما ارکان استنباط در فضای دینی که همان «اعضای خانواده استنباط» است عبارتند از:

۱) مستنبط (یا فقیه یا عالم یا مجتهد و یا...)

۲) بستر استنباط (وحی: کتاب و سنت)

۳) ابزار استنباط (عقل)

۴) عملیات استنباط (اندیشه و تحقیق دینی)

۵) حاصل استنباط

روشن است درایت استنباط، متوقف است بر درایت و درک ارکان استنباط.

با درایت بستر استنباط، روشن می‌شود که فقیه اصولی، حکمی از خودش نمی‌دهد، بلکه همان حکمی که در بستر استنباط نهفته است، همان حکم را استنباط و استخراج می‌نماید.

بدین سان توهّم اخباریون در این که اصولیون خود را در عرض معصوم می‌پندارند، باطل می‌شود.

ان شاء الله توضیح طولیت و عرضیت اجتهاد در ادامه همین نوشتار خواهد آمد.

با درایت ابزار استنباط، ضرورت کاربرد خرد در فهم مدالیل کتاب و سنت روشن می‌شود. به این مهم در روایات نیز اشاره رفته است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: همچنان که غواص در دریا غواصی می‌کند و مروارید پنهان در دریا را استخراج می‌کند، همان گونه عقل در سخن گوینده غواصی می‌کند و جان مراد او را از درون پوشیده‌ی او استخراج می‌نماید.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: حجت خداوند بر بندگان پیامبر است

(۱) وَ قَالَ علیه السلام یغوص العقل علی الکلام فیستخرجه من مکنون الصدر کما یغوص الغائص علی اللؤلؤ المستکنه فی البحر. بحار الانوار ج ۱ ص ۹۴

و حجت میان بندگان و خداوند عقل است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: عقل اصل علم است و فهم را می‌طلبد.^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند امیرالمؤمنین علیه السلام مکررا می‌فرمودند: قعر حکمت به عقل استخراج می‌گردد، و به حکمت نیز قعر عقل استخراج می‌شود و به مدیریت نیکو ادب شایسته تحقق می‌یابد.^۳

بدین سان توهم اخباریون در این که کاربرد عقل مطلقا ممنوع است، باطل می‌گردد.

با درایت عملیات استنباط، ضرورت استدلال و چینش برهان در فهم احکام دین روشن می‌شود.

به نمونه‌ای از عملیات استنباط توجه نمایید:

حسن بن جهم می‌گوید به امام کاظم علیه السلام عرض کردم مرا از دعا

(۱) عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال حجة الله على العباد النبي و الحجة

فيما بين العباد و بين الله العقل. کافی ج ۱ ص ۲۵

(۲) العقل أصل العلم و داعية الفهم. غرر الحکم ۱۰۸

(۳) عن يحيى بن عمران عن أبي عبد الله عليه السلام قال كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول

بالعقل استخراج غور الحكمة و بالحكمة استخراج غور العقل و بحسن السياسة

يكون الادب الصالح قال و كان يقول التفكير حياة قلب البصير كما يمشى

الماشي في الظلمات بالنور بحسن التخلص و قلة التربص. کافی ج ۱ ص ۲۸

فراموش نکنید.

امام فرمود آیا چنین می‌دانی که من تو را فراموش می‌کنم؟
حسن بن جهم می‌گوید با خودم فکر کردم و گفتم: امام برای
شیعیانش دعا می‌کند و من از شیعیان امام هستم.
[پس امام برای من هم دعا می‌کند].
سپس به امام عرض کردم نه، چنین نیست. شما مرا فراموش
نمی‌فرمایید.

حضرت فرمود چگونه به این مطلب پی بردی؟
گفتم من از شیعیان شما هستم. و شما برای آنها دعا می‌کنی. [پس
برای من هم دعا می‌کنی].
سپس امام فرمود آیا به غیر این مطلب [از راه دیگری] به این
مطلب رسیدی؟ [برهان دیگری بر این مطلب داری؟]
گفتم نه.

فرمود زمانی که خواستی بدانی چه موقعیتی نزد من داری بنگر من
نزد تو چه موقعیتی دارم.^۱

(۱) عن الحسن بن الجهم قال: قلت لأبي الحسن ع لا تنسني من الدعاء قال أ و تعلم
أني أنساك قال فتفكرت في نفسي و قلت هو يدعو لشيعة و أنا من شيعة قلت
له

بدین سان توهّم این که اصولیون قیاس فاسد را به کار می‌بندند، باطل می‌گردد.

با درایت حاصل استنباط، تفاوت مستند فتوا و فتوا روشن می‌شود. بدین سان لزوم فتوا به نص حدیث باطل می‌گردد. همچنین با درایت حاصل استنباط، تفاوت رأی مستند به کتاب و سنت، با رأی غیر مستند روشن می‌شود.

بدین سان توهّم کاربرد رأی توسط اصولیون باطل می‌گردد. همچنین با درایت حاصل استنباط، تفاوت عمل به حجت قطعی با عمل به ظن روشن می‌شود.

بدین سان توهّم کاربرد ظن توسط اصولیون باطل می‌گردد. همچنین با درایت حاصل استنباط، تفاوت فتوای عن علم با فتوای عن غیر علم روشن می‌شود.

بدین سان توهّم فتوای عن غیر علم اصولیون باطل می‌گردد. درایت استنباط، اقیانوسی است که در دل آن جواهر فراوانی نهفته است.

لا لا تنسانی قال و کیف علمت ذلك قلت إني من شيعتك وإنك لتدعولهم فقال
هل علمت بشيء غير هذا قال قلت لا قال إذا أردت أن تعلم ما لك عندی فانظر
إلى ما لی عندك . کافی ج ۲ ص ۶۵۲

متأسفانه عدم درک اخباریون و التزام اخباریون به منطق نص حدیث، آنان را از گوهرها و جواهر این اقیانوس محروم ساخته است. اگر استنباط به درستی درایت شود نه تنها توهّمات اخباریون نقش بر آب می‌شود، بلکه بنیاد برهانی و مستحکم اصولیون نیز آشکارا روشن می‌گردد.

لذا یکی دیگر از اثرات شاقول استنباط روشن شدن درستی و حقانیت اصولیت است.

در ادامه با برخی دیگر از نتایج شاقول استنباط آشنا می‌شویم.

تفاوت منطق نص حدیث با تعبد و توقیفیت دین

اخباریون مدعی هستند که تنها آنان متعبد به کتاب و سنت هستند و اصولیون از این امر عقلی و شرعی تخطی کرده‌اند.

ریشه این توهّم نیز در عدم درایت استنباط نهفته است.

ضرورت تعبد در بحث «تعبد و توقیفیت دین» از نوشتار «آشنایی با الفبای فقه اصغر» بیان شده است.

تعبد واقعی به معنی این است که تمامی آن چه در کتاب و سنت آمده است، همه را با هم بپذیریم.

اما همان گونه که توضیح دادیم بر اساس منطق نص حدیث، تنها

مدلول مطابقی آن اخذ می‌شود و تمامی مدالیل التزامی کتاب و سنت اسقاط می‌گردد. این دقیقا یعنی حرکت بر خلاف تعبد و توقیفیت دین.

لذا منطق نص حدیث، دقیقا بر خلاف تعبد و توقیفیت دین است. اما اصولیون علاوه بر اخذ به مدلول مطابقی کتاب و سنت، با به کار بردن استنباط، به تمامی مدالیل التزامی کتاب و سنت ملتزم می‌گردند.

طولیت و عرضیت استنباط فقها

بحث طولیت و عرضیت استنباط، از مباحث فوق العاده مهم است.

بحث طولیت و عرضیت، از لغزشگاه‌های مهم در مباحث مختلف است.

سرفصل «مرجعیت، در عرض معصوم یا در طول معصوم؟!» از نوشتار «پرسش‌ها و هیاهوها پیرامون مرجعیت و تقلید» به این موضوع پرداخته است.

توجه شما را به گزیده‌ای از این بحث جلب می‌کنیم.

عمده‌ترین دلیل انکار تقلید از «توهم عرضیت مجتهدین با

معصومین علیهم السلام» نشأت گرفته است.

برای تقریب شایسته این مشکله، بایسته است سری به شبهات وهابیت در مسئله توسل و شفاعت بزنیم.

در نوشتاری با عنوان «طولیت و عرضیت قدرت اولیاء، ریشه انحراف وهابیت» این چنین آمده است:

ریشه تمامی اشکالات وهابیت در توسل و شفاعت، عدم درک تفاوت قدرت طولی و قدرت عرضی مخلوق است...

قدرت طولی هر چند بسیار بزرگ و گسترده باشد، هرگز با توحید افعالی تضاد ندارد. اما قدرت عرضی ولو در اندازه یک حرکت شاخک مورچه باشد، با توحید افعالی متضاد است و مستلزم شرک است...

وهابیت، تفاوت قدرت طولی و عرضی را درک نکرده و یا به خاطر حسد با اولیاء الهی، نخواستند درک کنند.

لذا توسل به معصومین علیهم السلام را مستلزم شرک می‌پندارند. این در حالی است که بر اساس قدرت طولی، توسل و شفاعت عین توحید است...

تصویر نادرستی که اخباریون از اجتهاد و استنباط و فتوای مجتهد ترسیم می‌کنند، این است که مجتهد در مقابل نص امام معصوم اجتهاد می‌کنند. (دقیقا همان اشکال «اجتهاد در مقابل نص» که

شیعیان بر سنیان وارد می‌سازند).

با این تصویر سازی نادرست، فقیه شیعه، همانند مجتهد سنی!، در عرض امام معصوم فتوا می‌دهد!

در ادامه همین تصویر سازی غلط، عوام نیز با تقلید از مجتهد، به جای تبعیت از امام معصوم از فتوای مجتهد تبعیت می‌کنند! حاصل این اتهام ظالمانه عبارت است از این که فتوای مجتهد، در عرض روایت امام معصوم قرار می‌گیرد و در نتیجه تبعیت از مجتهد در عرض تبعیت از امام قرار می‌گیرد.

ناگفته پیداست که طبق اصول اولیه تشیع، این گونه تقلیدی قطعا باطل و حرام است و جایگاه مجتهد و مقلدش هم در دوزخ است. آن چه مهم است این است که آیا این تصویر سازی، اصلا اندک شباهتی به واقعیت اجتهاد شیعه دارد یا این که اتهامی ظالمانه و دروغین بر فقه شیعه است؟

اگر (تأکید می‌کنم اگر) اخباریون بتوانند عرضیت فتوای مجتهد با روایت امام معصوم را ثابت کند، بدون هیچ تردیدی حق با آنهاست.

اما اگر اخباریون دچار همان بیماری وهابیون شده باشند، دیگر جای درنگ بسیار جدی است!

چرا که حاصل نظریه وهابی در تحریم توسل، جدا سازی اهل

بیت علیه السلام از قرآن و به تبع آن جدا سازی مردم از اهل بیت است. بر همین وزن حاصل نظریه اخباریون در ابطال تقلید، جدا سازی ایتمام آل محمد از کافلین ایتمام شیعه است.

همان گونه که وهابیت به دلیل نفهمیدن تفاوت قدرت طولی و قدرت عرضی و یا به خاطر حسد با اولیاء الهی، امت را از امام معصوم جدا می کنند، همان گونه نیز اخباریت به دلیل بی سوادی و عدم درک تفاوت تشریع طولی و تشریع عرضی و یا به خاطر حسد به فقها آل محمد و یا شهرت طلبی و ریاست طلبی، ایتمام آل محمد را از فقها اهل بیت جدا می سازند.

با این تفاوت که تخریب دین توسط وهابیت، به نام دفاع از توحید و از کانونی خارج از شیعه سرچشمه می گیرد.

اما تخریب دین توسط اخباریت، به نام پیروی از اهل بیت علیهم السلام و از کانونی در درون شیعه صورت پذیرفته است.

ناگفته پیداست که به دلیل درونی بودن کانون تخریب، خطر اخباریت بسیار بیشتر از خطر وهابیت است...

در هر صورت علت عمده انکار تقلید توهم عرضیت فتوای فقیه با روایات است.

توهم عرضیت فتوای فقیه با روایات معصومین علیهم السلام نیز ریشه در عدم درایت استنباط دارد.

برکات درایت استنباط بسیار فراوان است و با درایت استنباط
مشاکل شناختی فراوانی حل می‌گردد.

از جمله برکات درایت استنباط، پیدا کردن بهترین و دقیق‌ترین
شاقول برای شناخت درست اخباریت است.

استنباط، نقطه مقابل «منطق نص حدیث» است. التزام کامل به
«منطق نص حدیث»، مساوی با حذف کامل استنباط است.

همان گونه که پیش از این اشاره کردیم حذف کامل استنباط، آن
چنان ناشدنی و محال است که خود اخباریون نیز ناچار به کاربرد
استنباط ولو استنباط بسیط و ساده هستند.

همین تناقض بهترین شاهد و دلیل بر بطلان اخباریت محض
است.

قوت و عمق و گستردگی کاربرد استنباط نیز نشانه درجه فقاقت و
اصولیت فرد است.

نتیجه بسیار مهم این نوشتار کوتاه این شد که بهترین شاخص و
معیار برای شناخت اخباریت از اصولیت، شاقول استنباط است.

شاقول استنباط، فقیهان آل محمد علیهم‌السلام یعنی «تکیه‌گاه‌های محکم

امت^۱ و «امینانِ دنیا و دین»،^۲ را به خوبی به ما می‌شناساند و از مدعیان جدا می‌سازد.

شاقول استنباط، کوچک‌ترین کجی اخباریت در ساختن استوار فقاہت را، به دقت تمام نشان می‌دهد.

البته بایسته است این گام، با گام دوم تکمیل گردد.

گام بسیار مهم بعدی، تحقیق در این است که:

استنباط چیست؟

ناگفته پیداست که تنها با شناخت درست استنباط، کاربرد شاقول

استنباط، عملیاتی می‌گردد و اخباریت و اصولیت به معنی واقعی آن شناخته می‌گردد.

تعریف استنباط و ارکان استنباط، در ادامه همین سلسله تحقیقات عملی می‌گردد.

(۱) الناس ثلاثة فعالم ربانی و متعلم علی سبیل نجاة و همج رعاع أتباع كل ناعق
یمیلون مع كل ریح لم یستضیئوا بنور العلم و لم یلجئوا إلى ركن وثیق ... نهج
البلاغه ۴۹۶

(۲) فممن أخذ معالم دینی قال من زکریا بن آدم القمی المأمون علی الدین والدنیا ...
بحار الانوار ج ۲ ص ۲۵۱

آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

آن چه تا کنون از سایت «آشتی با خرد» چاپ شده است:

- ۱. ☒ از کرامت درویشانه تا کرامت انسانی
- ۲. ☒ اشراق خورشید (جهان در عصر طلایی ظهور)
- ۳. ☒ علل غیبت خورشید (دلایل حرمان از امام زمان ع)
- ۴. ☒ شاقول اخباریت و اصولیت
- ۵. ☒ پیشینه نص زدگی (اخباریت لابلای تاریخ و روایات)
- ۶. ☒ درنگی نو بر لایه های تقلید
- ۷. ☒ ستون استوارِ دین (مرجعیت امینانِ دنیا و دین)
- ۸. ☒ پرسش ها و هیاهوها پیرامون مرجعیت و تقلید
- ۹. ☒ إعجاز و کرامت از واقعیت تا پندار
- ۱۰. ☒ فتنه وهابیت قوچان، مولود نامشروع عربستان و...
- ۱۱. ☒ رسالة فی جواب عن شبهات کشف الارتیاب
- ۱۲. ☒ جواهر ناشناخته (زندگینامه شیخ عبدالله ریزگی)
- ۱۳. ☒ برترین لبیک به آیهی نَفَر، شناسنامه قرآنی طلبگی
- ۱۴. ☒ کافر در سه مدارِ آفرینش، انسانیت و احکام